

هنو المخبو پ

هر که عاشق پیشه‌تر ، بی خویش‌تر

«در دانشگاهها بایستی مراکز خاصی برای «استعدادهای درخشان» باشد، همچنان که ما برای استعدادهای درخشان دبیرستان درست کردیم، بخشی از دانشگاه بخشی از مراکز تحقیقی، بخشی از بودجه که صرف این کارها می‌شود «باید» برای این صرف شود که به «ممتازان استعداد» میدان بدهند. چون میدان دادن به آنها به نوبه خود کسان دیگری را تشویق می‌کند، به میدان وارد می‌کند و دایره پیشرفت علمی را گسترش می‌دهد.»

با اینکه در شماره قبل این عبارات را در مشروح سخنان رهبر انقلاب آورده بودیم ولی برای تأکید بر ضرورت آنچه به عنوان «پرورش استعدادهای درخشان» در ایران اسلامی مورد حمایت «رهبر» و «رئیس جمهور» است، این تکرارها عبث نیست، عبث و بیهوده این است که ندانیم چرا مدیریت عالی نظام در سخت‌ترین سالهای دفاع مقدس، این امر مهم را از آن دفاع نمود و باز اینکه چرا تحت عناوین مختلف عده‌ای سعی دارند این سد در هم شکسته شود و خوشبختانه راست و چپ هم در این مورد هم آواز ندهند.

به یاد دارم در حاشیه کنگره بزرگداشت «حافظ» در شیراز وقتی برای پرفسور «عبدالسلام» اهداف تشکیل سازمان را بیان می‌کردم، او به عنوان یک مسلمان، در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود، دستهایم را گرفت و گفت: «برای ماندن

راهی جز طی این مسیر نخواهید داشت». هنوز، کلام او در گوشم طنین انداز است، و در طول این سالها «عاشقان بی خویش» را تلاشگر این راه دیده‌ام.

○ ○ ○

«یک نوع «نخبه گرایی» اگر مورد اتمام باشد، جامعه پیشرفت پیدا می‌کند و آن گرایش جامعه به احترام به کسانی است که برخوردار از ظرفیت‌های انسانی بیشتری هستند. هر چه به امور مادی توجه بیشتر شود جا برای دیگران تنگتر خواهد شد ولی توجه به «علم»، دانش و آگاهی سبب می‌شود آگاهی به دیگران نیز منتقل شود و جا برای هیچکس تنگ نشود».

فرازی از سخنان رئیس‌جمهور محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی در جمع المپیادهای علمی کشور و خانواده‌های آنان در روز سه‌شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۷۸ ما را بی‌نیاز می‌سازد از اینکه نسبت به تهاجمی سامان یافته بر علیه مراکز سمپاد حرف تازه‌ای بزنیم.

○ ○ ○

خبر کوتاه و ناگهانی بود، برادر عزیزم را در یک حادثه از دست داده بودیم، «صاحبعلی فضل» همکار خوبمان که سالها مسئول دفتر سمپاد در کرج، و رئیس مرکز آموزشی «شهید سلطانی» این شهر بود. که با وجود فشارهائیکه از دو سو بر او وارد می‌شد - از یکسو کمبودهای سمپاد و از سوی دیگر تنگ‌نظری مدعیان نظر - شیفستگی به عزیزانمان از سیمایش دور نمی‌شد، افسوس که «برکه‌های بی‌موج» خاطرخواهان بیشتر و رهروان انبوه‌تری دارند و «روز مرگی» عده‌ای «زندگی» محسوب می‌گردد. یادش گرامی باد و روحش در جوار مردان نیک خداخواه.

○ ○ ○

نمایشگاه امسال «فرزانگانیها» در تهران با جاذبه‌های خاص خود همراه بود. در بازدید از نمایشگاه فکر می‌کنم جزء معدود بازدیدکنندگان ۶ ساعته از نمایشگاه بودم. همه کارها جالب بود و تعدادی چشمگیر «بکر و تازه»، بخصوص اولین حضور خوب و فعال «علوم انسانی» های مرکز. به همه عزیزانم خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم آنها که راه سفر هموار کردند و نگاه به مسایل علمی را از زاویه‌ای دیگر نظاره‌گر شدند، در مراکز خویش در تکرار این نمایشگاهها در محدوده توان خود، تلاش کنند. هر چند انتظار عین چنین نمایشگاههای علمی را از همه مراکز نمی‌توانیم داشته باشیم.



در روزهای چهارشنبه ۲۷ بهمن، یکشنبه ۸ اسفند و چهارشنبه ۱۱ اسفند داوری ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد را در حوزه «خلاقیت» و «استعدادهای درخشان» عهده‌دار بودم. در زمان دفاع از سومین پایان‌نامه، دانشجوی محقق در پاسخ یکی از اساتید داور به این سؤال که: به عنوان پژوهشگر نظرتان درباره جداسازی دانش آموزان چیست و آیا اصولاً وجود مدارس تیزهوش را لازم می‌دانید؟ پاسخ داد: «من نه به عنوان پژوهشگر یک پایان‌نامه در حوزه روانشناسی تیزهوش بلکه به عنوان یک دبیر، از بی‌تابی و خستگی و تکراری بودن مطالب برای دانش آموزان مستعد در کلاسهایم پس از ده دقیقه یا یک ربع ساعت از شروع کلاس رنج می‌برم. آنها برای مقابله با این وضعیت عمدتاً یکی از این دو راه را انتخاب می‌کنند: خواب یا به هم زدن کلاس!».



بهاری دیگر از راه می‌رسد، شادابی، رشد و رسیدن به بهترین حالت را در این دگرگونی، از دگرگون‌کننده «احوال»، برای همه عزیزانم در سراسر کشور آرزو مندم.

مدیر مسئول

انعکاس هدایت شده گفتگوی وزیر محترم آموزش و پرورش در دهه فجر انقلاب با همکاران فرهنگی در «اهواز» و «ارومیه» در مطبوعات با واکنش‌هایی روبرو شد که حکایت از حساسیت جدی نسبت به امر آموزش تیزهوشان داشت ایشان در اولین جلسه شورای معاونین بعد از دهه فجر انقلاب اسلامی (۷۸/۱۱/۲۵) در اینمورد اعلام نمودند:

صحبت من در مورد مدیریت، تشکیلات، عملکرد و حذف سازمان نبوده است، بلکه تأکید من در تربیت افراد خلاق، مبدع و ... بوده است که متضمن گزینش تعداد کمتری نسبت به تعداد موجود در مراکز استعدادهای درخشان است تا بتوانیم نسبت به تأمین نیازمندیهای اساسی این بخش از دانش‌آموزان مملکت اقدامات مناسب‌تری داشته باشیم. من در صحبت خود در این شهرها در مورد سازمان کودکان استثنائی هم اعلام کردم که درمورد گسترش این سازمان هم موافق نیستم و تا حد امکان باید دانش‌آموزانی که امکان حضور در مدارس عادی را دارند در همین مدارس ادامه تحصیل دهند.

○ ○ ○